

بررسی اصلاحات آتاتورک در دگرگونی موقعیت زنان ترکیه (۱۹۲۲-۱۹۳۸ م)

مصطفی پیرمردیان^۱

مونا فاطمی نژاد^۲

چکیده

دگرگونی موقعیت اجتماعی و سیاسی زنان یکی از مهم‌ترین اهداف اصلاحی مصطفی کمال؛ آتاتورک و دیگر جمهوری‌خواهان بود که به عنوان راهکاری در راستای لائسیسم و غربی کردن ترکیه‌ی نوین پی‌گیری می‌شد، پژوهش حاضر از نوع مطالعات تاریخی می‌باشد که با استفاده از مهم‌ترین منابع و مآخذ موجود در تاریخ ترکیه، به روش توصیفی، تحلیل و مقایسه‌ی داده‌ها درصدد بررسی این دگرگونی است. بر اساس یافته‌ها، مصطفی کمال و کمالی‌ها کوشیدند با تغییراتی در حقوق زن در خانواده، تصویب قانون لباس و اعطای برخی آزادی‌های سیاسی، فرهنگ زندگی زنان را در ترکیه‌ی نو دگرگون سازند، تا زن ترک به شأن و منزلتی هم‌پای زنان در جوامع غربی دست یابد، آن‌ها در معرفی زن جمهوری بر ملی‌گرایی و پا هواخواهی او از لائیک تأکید می‌نمودند، و به شیوه‌های مختلف سعی در معرفی و ترویج این چهره‌ی مطلوب در جامعه داشتند.

واژه‌های کلیدی: زن در جمهوری لائیک، حقوق زن، جایگاه اجتماعی-سیاسی زن، اصلاحات، آتاتورک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. mostafapirmoradian@yahoo.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. liyannejad@yahoo.com

مصطفی کمال (د ۱۳۵۶ق/۱۹۳۸م) به عنوان قهرمان ملیون در جنگ‌های استقلال ترکیه (۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰ق/۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲م) (باربر، ۱۳۶۷: ۲۴۵-۲۴۶)، پس از کسب اقتدار نظامی و سیاسی کافی مهم‌ترین تلاش‌های خود را در راستای انحراف خلافت عثمانی (۶۷۹-۱۳۴۱ق/۱۲۸۰-۱۹۲۳م) به سوی جمهوری لائیک آغاز نمود. او و هم‌فکرانش طی سه مرحله، یعنی جدایی خلافت از سلطنت (۱۳۴۰ق/۱ نوامبر ۱۹۲۲م) (آتاترک، ۱۳۸۳: ۴۲۱)، اعلام جمهوری (۱۳۴۱ق/ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳م) (آتاترک، ۱۳۸۳: ۴۹۸-۴۹۰) و سرانجام انحلال خلافت (۱۳۴۲ق/۳ مارس ۱۹۲۴م) (ایگدمیر و دیگران، ۱۳۴۸: ۱۳۲)، جمهوری لائیک ترکیه را بنیان نهادند.^۱ آن‌ها پس از این کامیابی درصدد برآمدند برنامه‌های نوسازی و اصلاحی خود را در ابعاد گونه‌گون این دولت-ملت نوپا به اجرا درآورند. "ما از شرق آمده‌ایم اما به سوی غرب می‌رویم" جمله‌ای معروف و معنادار از آتاتورک است، که پس از کسب قدرت بیان داشت (دلیرپور، ۱۳۹۴: ۱۴۴)، به نظر می‌آید چنان بی‌ربط نباشد که مقصود اصلی رهبر ترکیه از این گفته، تمایل به غربی‌سازی و عرفی نمودن حیات اجتماعی و فرهنگی ترکان، پنداشته شود. کمال که خود اصلاً از مناطق اروپایی عثمانی بود، بسیار تمایل داشت، زندگی اجتماعی مردم ترکیه به سبک و شیوهی ملل مغرب زمین شکل بگیرد، نوآوری‌های کمال برای رسیدن به این هدف یکی از برجسته‌ترین کوشش‌های اصلاح طلبانه‌ی تاریخ قرن چهاردهم ق/ بیستم م را رقم زد (هانی اغلو، ۱۳۹۵: ۲۳۵)، البته این تمایل به غربی‌سازی صرفاً در وجود کمال نبود، بلکه از واپسین سال‌های امپراتوری عثمانی بخشی از جامعه به این سمت و سو گرایش یافته بودند، این گروه از جمله کمال صرفاً موجودیت یک تمدن را به رسمیت می‌شناختند و آن تمدنی نبود جز فرهنگ و سبک اروپایی، به جز این سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها محکوم به نیستی بودند. در نظر رهبر ترکیه هر آن‌چه با تمدن غربی ناموافق و ناسازگار است، باید از جامعه حذف شود، بر این اساس هر یادگار و عنصری که از حکومت پیشین یا فرهنگ‌های بومی در میان ترکان رواج داشت، و مغایر با فرهنگ جهانی شناخته می‌شد، از جمله سنت‌های اقباس شده از دین اسلام می‌بایست از ترکیه‌ی نوزدوده شوند (هانی اغلو، ۱۳۹۵: ۲۳۷). در نظر نخستین رئیس-جمهور ترکیه جهت پیشرفت و توسعه‌ی کشور راهی جز کنار گذاشتن میراث شرقی از نظام سیاسی و اجتماعی ترکان وجود نداشت (نشاشیبی، ۲۵۳۷: ۳۴۷). آرمان نهایی آتاتورک از گرایش به غرب و نوسازی جامعه آن بود، که دولت و ملت ترکیه در آینده‌ای نه چندان دور به عنوان بخشی از دنیای غرب شناخته شود (ایگدمیر و دیگران، ۱۳۴۸: ۱۳۵). نوسازی و مدرنیسمی که رهبر ترکیه‌ی نوین و کمالی‌ها دنبال نمودند نوعی از نوسازی مشهور به





اتاتیسم (Etatism یا Estatism) می‌باشد، که در این شیوه از نوسازی دولت به عنوان پیشرو و هدایت‌گر جامعه در توسعه و صنعت محسوب می‌گردد، به دیگر سخن نوسازی از بالا صورت می‌گیرد (نساج، ۱۳۹۲: ۱۰۳)، این نگرش که دولت‌سالاری نیز گفته می‌شود، محدود به حوزه‌ی خاصی از زندگی نبود بلکه، در راستای توسعه و هدایت کشور در ابعاد گونه‌گون از اقتصاد تا امور "اجتماعی، اخلاقی، و ملی" و به طور کلی همه‌ی شئون زندگی می‌کوشید (موتقی، ۱۳۸۰: ۱۵۷).

دگرگونی حیات اجتماعی و سیاسی زنان ترک یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اصلاحی مصطفی‌کمال و کمالی‌ها در راستای نوسازی ترکیه‌ی جدید محسوب می‌شد که نگارندگان کوشیده‌اند با تکیه بر مهم‌ترین منابع قابل دسترس در تاریخ ترکیه، و توصیف و تحلیل داده‌ها آن را مورد بررسی قرار دهند. تا آنجا که میان مقالات فارسی جست و جو شد، پژوهشی با این عنوان یافت نشد، اگر چه کتاب‌های متعددی در تاریخ ترکیه بدین موضوع به‌طور پراکنده اشاراتی داشته‌اند، مقاله‌ی حاضر در دو عنوان، نظری بر اصلاحات عثمانی‌ها در حوزه‌ی زنان، و دگرگونی جایگاه زنان در جمهوری ترکیه، تلاش می‌نماید اثری جامع و محمل در موضوع مورد بحث ارائه کند. پژوهش حاضر تلاش نموده است به این سؤال‌های فرعی پاسخ گوید؛ مهم‌ترین قوانین و برنامه‌های ترکیه‌ی نوین، در حوزه‌ی زنان چه بوده است؟ چه‌رهی ایده‌آل یک زن در جمهوری از سوی اصلاح‌طلبان چگونه توصیف می‌شد؟ کمالی‌ها جهت پذیرش و روی‌آوری مردم به این اصلاحات چه تدابیری اندیشیدند؟

الف. نظری بر اصلاحات عثمانی‌ها در حوزه‌ی زنان

اصلاحات کمالی‌ها در امور زنان هم‌چون نوسازی و مدرنیسم در سایر بخش‌های جامعه ریشه در اصلاحات امپراتوری عثمانی در سده‌های پیش‌تر داشت. در دوره‌ی عثمانی غالباً زنان در جامعه‌ی مردسالار ترک از حقوق اجتماعی خود محروم بودند، و زنان نیز با توجه به آن‌که این محرومیت‌ها را از جانب قوانین اسلامی می‌پنداشتند، به دلیل گرایش‌های اسلامی‌شان بیش‌تر سکوت اختیار کرده و چنین شرایطی را می‌پذیرفتند (پروند و سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۱۸)، اگر چه در همین دوران با هدف بهبود اوضاع اجتماعی زنان برخی قوانین تصویب شد، اما اغلب دگرگونی و تحول در حیات این بخش از جامعه را به دوره‌ی جمهوری نسبت می‌دهند که رویکرد اخیر بیش‌تر متأثر از نظرات گروهی از تاریخ‌نگاران غرب‌گرا و غیر مذهبی ترکیه می‌باشد، به‌طورکلی دلایلی چند منجر به نادیده انگاشتن اصلاحات عثمانیان در حوزه‌ی زنان شده است؛



- منازعه و دشمنی برخی از دولت‌های غربی معاصر با عثمانی و تلاش آنان در جهت کم‌اهمیت جلوه دادن قوانین مصوب از سوی سلاطین این سلسله
- کوچک جلوه دادن تشکیلات خودجوش و داوطلبانه‌ی زنان مسلمان از سوی غربی‌ها
- گسترش جنبش‌های استقلال طلبانه در امپراتوری و نادیده انگاشته شدن مسائل و مشکلات زنان
- رویکرد غیرمذهبی تاریخ‌پژوهان ترک جمهوری نسبت به تاریخ سلسله‌ی عثمانی
- بزرگ‌نمایی در باب اقدامات کمال در حوزه‌ی زنان و معرفی او به عنوان نجات‌دهنده‌ی این طبقه (رضایی سیاشانی، ۱۳۷۷: ۱۳۰)
- هم‌چنین به نظر می‌آید، می‌توان معدود بودن قوانین مربوط به بهبود وضعیت زنان در عصر عثمانی، یا عدم موفقیت حکومت در اجرای آن مصوبات را از دلایل بی‌توجهی به برخی جنبه‌های مثبت اصلاحات در حوزه‌ی زنان دانست.
- مهم‌ترین اصلاحات در حوزه‌ی حقوق بانوان مربوط به سده‌ی سیزدهم ق/ نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم و پس از جنبش نوسازی تنظیمات^۲ می‌باشد، که به این شرح است؛
- سال ۱۲۶۳ق/ ۱۸۴۷م به موجب فرمان سلطان به بردگی کشیدن و بهره‌کشی از زنان منع قانونی یافت (در این زمان عبدالمجید اول ۱۲۵۵-۱۲۷۷ق/ ۱۸۳۹-۱۸۶۱م حکومت را در دست دارد)
- گام بعدی تسهیلاتی در باب آموزش زنان بود، اولین مدرسه‌ی آموزش علوم نوین در سال ۱۲۵۷ق/ ۱۸۴۲م تأسیس شد، در ۱۲۷۴ق/ ۱۸۵۸م این مدرسه به دوره‌ی متوسطه ارتقاء داده شد، نخستین مدرسه‌ی بازرگانی نیز در ۱۲۷۹ق/ ۱۸۶۳م افتتاح گردید، سرانجام اولین کالج تربیت معلم ویژه بانوان در ۱۲۸۶ق/ ۱۸۷۰م برقرار شد (یعنی معاصر سلطان عبدالعزیز ۱۲۷۷-۱۲۹۳ق/ ۱۸۶۱-۱۸۷۶م) (حیدرزاده نایینی، ۱۳۸۰: ۲۸۶).
- در آخرین سال‌های قرن سیزدهم ق/ قرن نوزدهم آزادی فعالیت زنان در حوزه‌ی نشر آثار ادبی و مطبوعات رونق گرفت، اولین انتشاراتی ویژه زنان در ۱۳۱۰ق/ ۱۸۹۳م دایر گردید. مرکز اخیر روزنامه‌ای مخصوص بانوان منتشر می‌نمود که رویکرد اصلی آن انتقاد از وضعیت سنتی و اسلام‌گرایی حکومت، و جانبداری از فرهنگ غربی بود. این روزنامه زمینه‌ی نشر روزنامه‌ها و مجلات بیش‌تر با مدیریت زنان غرب‌گرا را در آینده فراهم ساخت (پروند و سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۱۸-۱۱۹).



- سپس در نیمه‌ی نخست قرن چهاردهم ق/ بیستم م اولین دانشکده‌ی دختران به اسم "مؤسسه‌ی آموزش عالی" تأسیس شد (۱۳۲۷ق/ ۱۹۱۰م) (هم زمان با محمد پنجم عثمانی ۱۳۲۷-۱۳۳۶ق/ ۱۹۰۹-۱۹۱۸م)
- از ۱۳۲۷ق/ ۱۹۱۰م به بعد برپایی انجمن‌ها و تشکیلات خودجوش زنان گسترش پیدا کرد؛ هم‌چون "انجمن تعالی نسوان"، "مدافع حقوق نسوان"، "زنان معاصر"
- سال ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۷م، برای نخستین‌بار قانون در ارتباط با مسئله‌ی طلاق به زنان توجه نمود، بر این اساس زن می‌توانست جهت طلاق در دادگاه اقامه‌ی دعوا کند (دوران محمد پنجم)
- در همان سال نیز قانون تأکید نمود، ازدواج دوم زن، مشروط به اذن همسر اول خواهد بود (رضایی - سیاوشانی، ۱۳۷۷: ۱۲۹-۱۳۰).
- در کنار قوانین گونه‌گونی که دولت در جریان برنامه‌های اصلاحی، با هدف بهبود وضعیت زنان در جامعه و خانواده صادر می‌کرد، قرن چهاردهم ق/ نیمه‌ی نخست قرن بیستم م، با آغاز جنگ جهانی ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م و وضعیت بحرانی حکومت یکی از زمینه‌های مهم افزایش مشارکت زنان فراهم شد، در این دوران حضور زنان در کارخانه‌های تولید مهمات و مواد غذایی، هم‌چنین استخدام در بانک‌ها، پست، بیمارستان، و ادارات مختلف معمول شد، اما این امر مورد تأیید همه‌ی مردم نبود و مخالفانی نیز داشت
- در جریان جنگ استقلال و آغاز نهضت کمال هم به نوعی دیگر زمینه‌ی مشارکت سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی زنان فراهم آمد. چنان‌که گردهمایی در محیط باز با سخنرانی زنانی چون، نکیه الگون (۱۲۹۹-۱۳۸۴/ ۱۸۸۲-۱۹۶۵)^۳ و یا خالده ادیب (هالید ادیب) (۱۳۰۱-۱۳۸۳ق/ ۱۸۸۴-۱۹۶۴م)^۴ برگزار می‌شد (رضایی سیاوشانی، ۱۳۷۷: ۷۵-۷۶). خالده ادیب رمان‌نویس ترک یکی از معروف‌ترین نویسندگان ملی‌گرا بوده است، او در همان سال‌ها اثری ادبی خلق نمود که در آن بر ضرورت مبارزه و کوشش تا استقلال آناتولی تأکید می‌کرد (آژند، ۱۳۶۴: ۶۲).

ب. دگرگونی جایگاه زنان در جمهوری ترکیه

۱. حقوق زن در خانواده



مصطفی کمال از پیش‌تر دورانی که فعالیت‌های اصلی خود را معطوف به نظامی‌گری نموده بود، بعضاً نسبت به وضعیت نامطلوب زنان در عثمانی اشاراتی داشته است؛ او در دفتر خاطرات خود مربوط به دوران جنگ جهانی اول، در صفحه‌ای به تاریخ ۱۳۳۴ق/ ۲۲ نوامبر ۱۹۱۶م این گونه به موضوع زنان در عثمانی توجه نموده؛ امروز هشت یا نه ساعت با رئیس ستاد در مورد لغو حجاب زنان و بهبود وضعیت این گروه تأثیرگذار در جامعه گفت‌وگو کردیم، که محورهای اصلی آن در مورد، آموزش مادران، محترم شمردن آزادی زنان، و اهمیت دادن به مشارکت زنان در زندگی اجتماعی بوده است (مانگو، ۱۳۹۴: ۲۸۰). یک بار دیگر نیز در همان اوان (۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م) در گفت‌وگویی در مورد موانع اصلاحات در حوزه زنان ابراز نموده بود؛ این‌گونه تصور می‌کنم که اگر روزی موفق به کسب قدرت شوم، یک‌باره دگرگونی ضروری در حیات اجتماعی ترکان ایجاد خواهم نمود، این دگرگونی رخ نمی‌نماید مگر آن‌که "عوام الناس و علما" مانند من فکر کنند (مانگو، ۱۳۹۴: ۳۰۱).

به جز کمال در قرن چهاردهم ق/ نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم شمار قابل‌ذکری از ملی‌گرایان غیرمذهبی به مسأله-ی زنان در جامعه توجه داشتند، مانند ضیاء گوکالپ^۵ (۱۳۴۳ق/ ۱۹۲۴م) که در نظر او احترام به تساوی زن و مرد ضرورتی مهم جهت پیشرفت جامعه‌ی نوین ترک به حساب می‌آمد، در این جامعه‌ی ایده‌آل ضیاء زنان در خانواده، حق ارث و طلاق، آموزش و یا اشتغال با مردان برابرد (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۸۴).

در دوره‌ی جمهوری از نخستین قوانینی که به طور مستقیم می‌کوشید وضعیت زنان را در جامعه تغییر دهد، مربوط به جایگاه زن در خانواده بوده است، مطابق قوانین اقتباس شده از سوئیس (۱۳۴۵ق/ ۱۹۲۶م)، چند همسری لغو و در برخی موارد به زنان حق طلاق داده شد، ضمن آن‌که مقرر گردید طلاق الزاماً در دادگاه و به طور قانونی صورت پذیرد (شاو و کورال شاو، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۳۹)، هم‌چنین مطابق این قانون ازدواج مدنی که در آن نیازی به خواندن خطبه نبود، اجباری شد، البته اجرای عقد به شیوه‌ی سنتی و شرعی آن پس از ثبت مراحل قانونی منعی نداشت (حیدرزاده نایینی، ۱۳۸۰: ۷۲)، برابری زن و مرد در ارث که مخالف اسلام بود، بخش دیگری از قانون اخیر به شمار می‌رفت (مانگو، ۱۳۹۲: ۷۳۳)، در کنار این بر اساس ماده‌ی دیگری ضمن واگذاری حق تغییر مذهب برای هر فرد بالغ، ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان به رسمیت شناخته شد، که باز هم برخلاف دستورات اسلام بود (لوئیس، ۱۳۷۲: ۳۸۲)، البته این تغییرات بنیادی در قوانین کشور به معنی دگرگونی اساسی حیات زنان نبود، با وجود اعطای این دست‌آزادی‌ها از سوی جمهوری خواهان وضعیت زنان در روستاها و خانواده‌های سنتی هم‌چنان به شیوه‌ی قبل باقی ماند، تنها در شهرها و برخی روستاها و بیش‌تر در بین آن دسته از طبقات جامعه که فرهنگ غربی



را پذیرفته بودند، تغییراتی ایجاد شد، به ویژه در روستاها زنان هیچ تمایلی به اجرای این دست قوانین برضد شوهرانشان نداشتند (لوئیس، ۱۳۷۲: ۳۸۲-۳۸۳).

۲. زنان و قانون لباس

به جز تصویب قوانینی چند در جهت بهبود حقوق زن در خانواده یا تحصیل، کمالی‌ها از طریق تشویق و ترغیب زنان به پوشش غربی و کنار گذاشتن حجاب اسلامی کوشیدند موقعیت زنان را در جمهوری دگرگون سازند و از این طریق ترکیه‌ی جدید را بیش‌تر به جوامع غربی نزدیک سازند، مصطفی‌کمال در جمهوری نخستین‌بار ضمن یک سخنرانی در باب لباس مردم ترکیه به‌طور علنی به مسئله‌ی حجاب اشاره کرد؛ کمال در کاستامونو^۶ (۱۳۴۴ق/ اوت ۱۹۲۵م) در حالی که خود کلاهی حصیری بر سر داشت، رودر روی مردم فینه،^۷ کلاه متداول میان مردان ترک، و سایر قسمت‌های پوشاک معمول در بین ترکان را نکوهش کرد، و یادآور شد سبک پوششی که میان مردم معمول است، چیزی جز یادگار یونانی‌ها و امپراتوری بیزانس نیست. او تأکید نمود مروج این البسه سلاطین عثمانی بوده‌اند، همان کسانی که جوانان این مرزو بوم را در جنگ‌های بیپرده به کشتن دادند. ریشه‌ی اصلی آن چه ملت می‌پوشند متعلق به کشیشان بیزانسی یا خاخام‌های یهودی است، اما عمامه چه‌طور؟ عمامه را در ادوار پیشین تنها علما که نشان از دانش آن‌ها بود بر سر می‌نهادند، البته که همه‌ی عمامه به سرها از اندیشمندان نبودند بلکه گروه‌هایی نیز جهت فریب‌کاری و سودجویی از مردم این پوشش را برمی‌گزیدند، این قبیل لباس پوشیدن به هیچ‌وجه شایسته‌ی ملتی متمدن نخواهد بود (باربر، ۱۳۶۴: ۲۷۵). سرانجام دولت با آغاز ماه جدید در دوم سپتامبر ۱۹۲۵م پوشیدن لباس‌های مذهبی را برای همه‌ی ادیان محدود ساخت، بر اساس این فرمان به جز مقامات روحانی هر یک از مذاهب اسلامی، ارمنی، عبری و ... هیچ‌کس حق پوشیدن البسه مذهبی نداشت، هم‌چنین فینه ممنوع اعلام شد (رایبسون، ۲۵۳۶: ۸۶). دگرگون ساختن پوشش زنان ترک قسمت مهمی از این قانون بود که مصطفی‌کمال می‌کوشید از طریق آن زنان را به کنار گذاشتن رفتار و آداب سنتی و گرایش به فرهنگ و لباس‌های غربی تشویق کند؛ او تأکید می‌کرد پوشاندن سر و صورت و فاصله گرفتن زنان از مردان رفتارهایی عجیب و نشان از توحش است، که باید فکری به حال آن کرد (انتخابی، ۱۳۹۲: ۲۱۵).



البته استفاده از حجاب اسلامی برای زنان ترک منع قانونی نداشت و دولت تنها به عدم استفاده از آن اصرار می نمود (شاو و کورال شاو، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۳۹). وجود یا عدم وجود قانونی که حجاب زنان را منع نماید، یکی از موضوعات مورد اختلاف میان کمالی ها بود، به عنوان مثال هنگامی که در ۱۳۵۳ق/۱۹۳۵م برخی از افراطیون حزب جمهوری تصویب قانونی را جهت کشف حجاب پیشنهاد کردند، مصطفی کمال از مخالفان طرح اخیر بود، او با توجه به آگاهی از حساسیت های چنین قانونی در جامعه ی اسلامی هرگز حاضر به پذیرش آن نشد (هانی اغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۱). از سویی مورد بحث قرار گرفتن مسئله ی حجاب در ۱۹۳۵م و اصرار برخی از اصلاح طلبان بر قانونی شدن کشف حجاب، یعنی ۱۰ سال پس از آغاز کوشش های کمالی ها در راستای حذف پوشش اسلامی گواه این مدعاست که تغییرات مرتبط با وضعیت زنان به راحتی مورد قبول جامعه نبوده و دولت در این مورد پس از یک دهه به هدف خود دست نیافته است. چنان که اسپنسر نیز مسئله ی حجاب را به عنوان تنها ناکامی مصطفی کمال معرفی می کند (اسپنسر، ۱۳۵۴: ۱۱۶)، باربر نیز تأکید می کند، کمال به دلیل خشونت پدران و مادران روستایی برضد دخترانی که حجاب را کنار می گذاشتند، به طور کلی از دگرگونی پوشش زنان در روستاها ناامید شد و روستاها را رها کرد تا به تدریج لباس های غربی ویژه زنان در میانشان رواج یابد و تمرکز خود را صرفاً بر شهرها گذاشت (باربر، ۱۳۶۴: ۲۷۶).

با وجود غیرقانونی بودن کشف حجاب و مخالفت کمال با تصویب این قانون، منابع گوناگونی آتاتورک را به عنوان مخالف سرسخت حجاب، و مروج بی حجابی معرفی می کنند که اهمیت چنین تغییر ظاهری ای را نزد رئیس-جمهور ترکیه آشکار می سازد (اسپنسر، ۱۳۵۴: ۱۱۶؛ ایگدمیر و دیگران، ۱۳۴۸: ۱۵۱؛ باربر، ۱۳۶۴: ۲۷۶؛ لاموش، ۱۳۱۶: ۴۰۵؛ لنچافسکی، ۱۳۳۷: ۱۲۷)، هم چنین منابع ایرانی غوغای کشف حجاب در ایران (۱۳۵۳ق/۱۹۳۵م/ ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴خ)^۸ را چیزی جز ره آورد سفر رضاشاه به ترکیه ی آتاتورک نمی دانند^۹ (هدایت، ۱۳۴۳: ۴۰۵ و مکی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۱۴۹ و ۲۶۸).

۳. زن در سیاست

قسمتی دیگر از تصمیمات دولت نوپا به هموار نمودن زمینه ی مشارکت زنان در سیاست اختصاص داده شد، که به این شرح است، اعطای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن؛

- نخست در انجمن های شهرداری (۱۳۴۸ق/آوریل ۱۹۳۰م)
- سپس در شوراها ی ریش سفیدان روستایی (۱۳۵۱ق/اکتبر ۱۹۳۳م)



- سرانجام حق رأی در مجلس کبیر ملی (۱۳۵۲ق/دسامبر ۱۹۳۴) (شاو و کورال شاو، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۳۹-۶۴۰). این امر موجب پیشتازی زنان ترک در بخشی از حقوق سیاسی‌شان نسبت به زنان در بسیاری از کشورها شد، چنان‌که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به زنان ترکیه در سطح ملی به ترتیب ۱۰ و ۱۱ و ۳۷ سال زودتر از زنان فرانسوی و ایتالیایی و سوئیسی (آتام و مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۳۸) و ۲۸ سال پیش‌تر از زنان ایرانی بوده است (انتخابی، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

مصطفی کمال در دوران ریاست جمهوری خود ۱۷ معاون زن برگزید که آنان الگوی زنان ایده‌آل در سیاست بودند، و متعهد به دفاع از آرمان‌های جمهوری، البته با وجود این کوشش‌ها در سال ۱۳۵۳ق/۱۹۳۵م تنها ۴ و نیم درصد از نمایندگان مجلس ملی را زنان تشکیل می‌دادند، رقمی که تا سال ۱۴۲۷ق/۲۰۰۷م حفظ شد (هانی اغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۳). زنان مجاز به تشکیل اتحادیه‌های خاص خود نیز بودند، اما جمهوری تا آن‌جا از این قبیل فعالیت‌های زنان حمایت می‌کرد که کاملاً هم‌سو با نظام سیاسی حاکم و در خدمت آن باشند، به عنوان نمونه در سال ۱۳۵۰ق/۱۹۳۲م هنگامی که گروهی از زنان فمینیست^۱ قصد داشتند حزب سیاسی تشکیل دهند با مخالفت کمال روبه‌رو شدند، در برابر آن، اتحادیه‌ی زنان ترکیه که در ۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م شکل یافته بود، مورد حمایت دولت قرار گرفت و در ۱۳۵۳ق/۱۹۳۵م موفق گردید میزبانی دوازدهم‌امین کنگره بین‌المللی زنان را از آن خود سازد، این نخستین‌بار بود که کنگره‌ی اخیر در کشوری جز اروپای غربی برگزار می‌شد، با این وجود سخنان برخی از افراد اتحادیه که گرایش فمینیستی داشتند، به فاصله‌ی دو هفته پس از اتمام کنگره منجر به انحلال اتحادیه شد، پس از این اعضای اتحادیه جهت خوش‌آیند دولت اعلام کردند، از آن‌روی که زنان ترکیه به همه‌ی حقوق قانونی و سیاسی خود دست یافته‌اند نیازی به اتحادیه‌ی زنان نیست (هانی اغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۳).

۵. زن و فرهنگ اجتماعی

زن تحصیل کرده، ملی‌گرا، هواخواه لائیک که مانند زنان غربی لباس می‌پوشد، و با همه‌ی وجود به جمهوری ایمان دارد، تصویر ایده‌آل و مطلوبی بود که دولت به عنوان مشخصه‌های برتر یک زن تبلیغ می‌کرد، در برابر این تصویر تلاش می‌شد، چهره‌ی مطلوب امپراتوری عثمانی از یک زن کنار گذاشته شود، یعنی زنی که پرهیزکار، پاکدامن و اهل هنر بود. کمالی‌ها هر چند در راستای ارتقای موقعیت زنان و تغییر نگرش جامعه نسبت به این گروه تلاش می‌کردند، اما چنان‌که اشاره شد نگرش فمینیستی یا مانند آن نداشتند، هدف اصلی آنان این بود که زنان در خدمت ایدئولوژی جمهوری باشند، یا به قول کمال به عنوان "مادر ملت" عمل کنند. جمهوری ترکیه با بهره‌گیری از رسانه‌ها



که به طور کامل آن‌ها را تحت کنترل و قدرت خود داشت، می‌کوشید، این چهره‌ی مطلوب و ایده‌آل را ارائه کند (هانی‌اوغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۰-۲۴۱). رسانه‌های جمعی تأثیر قابل‌ذکری در این مورد داشتند و به‌طور جدی تحول و دگرگونی "تام و تمام" در زندگی جدید مردم ترکیه را دنبال می‌کردند. در همین راستا بر نشریات که زیر نظر دولت بودند محدودیت‌هایی مطابق با سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی جمهوری لائیک تحمیل می‌شد. رادیو نیز در جهت ارائه‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی دل‌خواه دولت می‌کوشید (موتقی، ۱۵۸: ۱۳۸۰).

با هدف مشارکت بیش‌تر زنان در زندگی اجتماعی، مطبوعات پرخواننده همواره ستون‌هایی را به موضوع زنان اختصاص می‌دادند، تشویق زنان به حضور در مجالس رقص و مذموم دانستن فاصله گرفتن زنان و مردان مانند جامعه‌ی سنتی، پرداختن زنان به ورزش و تفریحاتی چون ژیمناستیک، شنا یا پیاده‌روی از محورهای مهم این نشریه‌های پر مخاطب بود. یکی از این رسانه‌ها به مقایسه‌ی زندگی و ظاهر موزون زنان آمریکایی و اروپایی با زنان سنتی و فربه‌ی ترک، ایرانی، و مصری و هندی پرداخت، این مقاله تأکید نمود، وضعیت نامطلوب زنان در کشورهای سنتی به خاطر خانه‌نشینی دوری از مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های ورزشی است، که این سبک از زندگی عواقبی جز فشارخون زودرس یا ابتلا به بیماری‌های گوناگون زنان ندارد، بخشی از آموزش‌های نشریات نیز به خانه‌داری می‌پرداخت (انتخابی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). برخی دیگر از آموزش‌های نوین در مطبوعات می‌کوشید تا رفتار مردان را نیز در برخورد با زنان دگرگون سازد، چنان‌که در مطبوعات به مردان یاد می‌دادند؛ هنگام بوسیدن دست زنان سرشان را خم کنند نه دست زنان را بالا بیاورند، یا هنگام صحبت کردن با بانوان باید از جای خود برخیزند و هنگام روبه رو شدن با آن‌ها کلاهشان را بردارند (انتخابی، ۱۳۹۲: ۲۲۲-۲۲۳). کتاب‌ها نیز جهت ترویج فرهنگ جدید و غرب‌گرایی به یاری رادیو و مطبوعات آمدند، ترجمه‌هایی ارائه می‌شد که بخش قابل‌توجهی از آنان سعی بر نشر نگرشی نو به زندگی زنان داشت، چنان‌که عبدالله جودت^{۱۱} از رهبران معروف غرب‌گرا کتابی با عنوان آداب معاشرت از زبان فرانسوی ترجمه کرد، کتاب دارای مضامینی بود مشابه آنچه در مورد دیگر مطبوعات گذشت، مثلاً در آن ذکر شده بود که چگونه باید به یک بانو احترام گذاشت یا گرامی داشت، یا به زنان آموزش داده می‌شد چگونه با ورزش تناسب‌اندام خود را حفظ کنند، و یا توصیه‌هایی داشت برای زن و شوهری که از دو دین مختلف با هم ازدواج می‌کنند (هانی‌اوغلو، ۱۳۹۵: ۲۳۸-۲۳۹).

رقص از جمله تفریحات غربی بود که مصطفی‌کمال سعی در ترویج آن بین ترکان من جمله زنان داشت، او نه تنها خود به رقص بسیار علاقه‌مند بود بلکه آن را عاملی مؤثر در آزادی زنان و رواج تمدن غربی می‌دانست (نهری،



۱۳۶۱: ج ۳، ۱۳۶۷). او سعی می‌کرد ترکان رقص‌های مختلفی چون تانگو، سوئینگ، فوکس تروت، چارلستون، و یا والس را بیاموزند، در همین راستا چندین کلاس رقص ویژه بزرگسالان راه‌اندازی شد، پایان دادن به فاصله و جدایی زنان و مردان همانند آنچه در جامعه‌ی سنتی عثمانی متداول بود، از جمله اهدافی بود که کمالی‌ها با گسترش این قبیل مجالس دنبال می‌کردند (انتخابی، ۱۳۹۲: ۲۲۳). رئیس‌جمهور خود نیز این سبک از زندگی را دنبال می‌کرد و سعی در ترویج آن داشت، چنان‌که در ضیافت‌هایی که با دوستان سیاسی‌اش برگزار می‌کرد، با لباس‌های غربی حضور می‌یافت، مهمان‌ها را به نوشیدن شامپاین و رقص دعوت می‌کرد، خود او می‌رقصید و با همکارانش بازی پوکر می‌کرد (باربر، ۱۳۶۴: ۲۷۴-۲۷۵ یا مانگو، ۱۳۹۴: ۷۳۶-۷۳۹). در کنار این‌ها به تدریج برگزاری مسابقات زیبایی در میان زنان مسلمان ترکیه متداول گشت، در سال ۱۳۴۷ق/ ۱۹۲۹م نخستین ملکه‌ی زیبایی در ترکیه برگزیده شد (شاو و کورال شاو، ج ۲، ۶۳۹). برپایی این قبیل رقابت‌ها که تلاش می‌کرد چهره‌ی مطلوب زن جمهوری را نمایش دهد، در سطح جهانی نیز ادامه یافت، همانند تلاش "کریمان خالص" که سال ۱۳۵۰ق/ ۱۹۳۲م در مسابقات ملکه‌ی زیبایی در بلژیک شرکت کرد، این اقدام او مورد حمایت رئیس‌جمهور قرار گرفت و کمال او را نمونه‌ای ممتاز از زیبایی یک ترک‌نژاد معرفی کرد، و به او لقب "اژه" که در ترکی به معنای ملکه است، اعطاء نمود (هانی‌اغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۲-۲۷۳). در کنار رسانه‌های جمعی که گذشت، یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای مصطفی کمال جهت ارائه‌ی چهره‌ای جدید از زنان ترک و ترویج آن بین مردم قبول دخترانی به عنوان فرزند خوانده بود^{۱۲} (هانی‌اغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۰).

صبیحا نخستین دختر بی‌سرپرستی بود که جهت ادامه‌ی تحصیل خواهان مساعدت رئیس‌جمهور شد و مصطفی کمال او را به فرزند خواندگی پذیرفت، تقریباً هم‌زمان با صبیحا، زهرا و رقیه را نیز به دختر خواندگی قبول کرد، سپس به مرور بر شمار این دختران افزوده شد، آفت معلم جوان که بعدها کمال نام‌خانوادگی اینان یعنی "باور کن" را برای او برگزید از معروف‌ترین دختر خوانده‌های (۱۳۴۳ق/ ۱۹۲۵م) رهبر ترکیه محسوب می‌شود (مانگو، ۱۳۹۴: ۷۳۵-۷۳۶) مصطفی کمال مادام باوئر را که زنی سوئسی بود با هدف تربیت دخترانش مطابق آداب اروپایی استخدام کرد، دختران کمال با لباس‌های غربی در جشن و مهمانی‌هایی که رقص و باده‌نوشی در آن‌ها متداول بود، حضور می‌یافتند. آفت در سال ۱۳۵۳ق/ ۱۹۳۷م به ژنورفت و در مقطع دکترا تحصیل کرد، او پس از مرگ آتاتورک به عنوان استاد تاریخ تمدن در دانشگاه آنکارا مشغول به کار شد. آفت اینان در ارائه‌ی چهره‌ای که آتاتورک علاقه‌مند بود از خود نشان دهد، بسیار کوشش نمود (مانگو، ۱۳۹۴: ۷۳۶-۷۳۹). صبیحاگوکچان دیگر



دختر خوانده‌ی رئیس‌جمهور نیز به شغل نظامی و خلبانی روی آورد، بمباران شورشیان کرد با یک هواپیمای نظامی از جمله عملیات‌های او در هوانوردی بود (هانی‌اغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۱). پیش‌تر گوکچان در مدرسه‌ای مشغول به کار بود اما سرانجام شغل خلبانی را برگزید، او تحصیلات هوانوردی خود را در روسیه گذرانده بود و پس از بازگشت به ترکیه به طور استثناء اجازه‌ی خلبانی در شاخه‌ی نظامی را کسب نموده بود (مانگو، ۱۳۹۵: ۸۶۲).

با همه‌ی این تلاش‌ها جهت زدودن نگاه سنتی و رایج به زنان عثمانی، باز هم نخبگان جمهوری تربیت فرزند را وظیفه‌ی اصلی زن ترک می‌دانستند، نگرش جدید به زنان در جمهوری و حضور و مشارکت آنان اگر چه مایه‌ی مباحثات و سرافرازی کمالی‌ها بود، اما دل‌نگرانی‌های خاص خود را هم به همراه داشت. برخی از آنان تأکید داشتند آزادی زنان نباید به معنای گرایش به مادیات و سبک‌سری‌های غربی شود. خالده ادیب نیز به عنوان معروف‌ترین زن ملی‌گرا در جمهوری نوپا، زن مدرن را در ترکیه زنی می‌دانست که، متین و با شخصیت است، شغل معلمی یا پرستاری را برمی‌گزیند، نه این‌که به جای سلام، بن‌ژور بگوید یا با اطوارهای زنان فرانسوی در خیابان رفتار کند، هرچند حتی چنین سخنانی نیز مورد قبول سنت‌گرایان نبود (انتخابی، ۱۳۹۴: ۲۲۴-۲۲۵). در هر حال جمهوری لائیک ترکیه اگر چه در شکل‌گیری طبقه‌ای از زنان تحصیل‌کرده و علاقه‌مند به ظواهر و آداب غربی تا حدی کامیاب شد اما بخش قابل‌ذکری از زنان ترک به آداب و سنن نو جذب نشدند و هم‌چنان سنتی باقی ماندند (هانی‌اغلو، ۱۳۹۵: ۲۴۴).

نتیجه‌گیری

این نوشتار کوشید تا دگرگونی حیات اجتماعی و سیاسی زنان را در عصر نوسازی آتاتورک بررسی نماید؛ زنان ترک از پیش‌تر هم‌زمان با اصلاحات امپراتوری عثمانی در دوره‌ی تنظیمات به کسب برخی حقوق و مزایا در اجتماع موفق شده بودند، ظهور جمهوری ترکیه فرصتی را فراهم آورد تا اصلاحات اخیر به‌طور جدی‌تر توسط مصطفی-کمال و دیگر جمهوری‌خواهان ادامه یابد. کمالی‌ها با تصویب برخی قوانین، همانند؛ لغو چند همسری، حق طلاق، حق ازدواج با غیر مسلمان، مدنی کردن ازدواج و طلاق، و تساوی زن و مرد در ارث، کوشیدند حقوق زن در خانواده را دگرگون سازند، در کنار آن با تشویق زنان به ترک حجاب اسلامی، و رواج نگرشی سهل‌گیرانه نسبت به روابط زن و مرد در جامعه تلاش نمودند تا زن جمهوری را به موقعیتی هم‌پای زنان در جوامع غربی برسانند، از سوی دیگر با اعطای برخی آزادی‌های سیاسی چون، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از سطوح محلی تا ملی، مشارکت گروه نام برده در این حوزه نیز افزایش یافت. زن تحصیل‌کرده، ملی‌گرا، هواخواه لائیک و مدافع جمهوری



نوین چهره‌ی ایده‌آل یک زن در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رفت. تبلیغ این چهره از طریق رادیو، مطبوعات و کتاب‌ها و یا معرفی دخترخوانده‌های کمال به جامعه، که همگی موافق با آرمان‌های جمهوری نسبت به زنان بودند، دنبال می‌شد تا از این طریق جامعه‌ی ترکیه‌ی نو نگرش خود را نسبت به زنان تغییر دهد، اصلاحات اخیر که در راستای هر چه بیش‌تر عرفی نمودن حیات ترکان صورت می‌گرفت، به رغم تلاش گسترده‌ی کمالی‌ها، اغلب در بین سنت‌گرایان و حتی برخی از نخبگان جمهوری مخالفانی داشت.

پی‌نوشت

- ۱- برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی قدرت‌یابی و دوران ریاست جمهوری مصطفی کمال؛ آتاتورک، نک. Sperco, Willy (1958). **Mustapha Kemal Atatürk Créateur de la Turquie Modern 1881-1931**, Paris: Nouvelles Éditions Latines. و Mantran, R. (1960). **Atatürk**, Encyclopédie de L'Islam, T. 1, Paris: E. J. Brill, Pp. 756-757. و Omurtak, Salih ve diğerleri (1965). **Atatürk**, İslam Ansiklopedisi, 1. C., İstanbul: Milli Eğitim Basımevi, S. 719-804. و Mantran, R. (1986). **Atatürk**, the Encyclopaedia of Islam (EI), Vol. I, Liden: E. J. Brill, PP. 734-735.
- ۲- جنبش اصلاحات در عثمانی از ۱۲۵۵ق/۱۸۳۹م تا چند دهه پس از آن را تنظیمات گویند، تنظیمات با صدور فرمان گل‌خانه در سال نام‌برده آغاز می‌گردد. برای آگاهی مختصر و کامل در این مورد نک. رئیس-نیا، رحیم (۱۳۸۳). **تنظیمات**، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۸، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، صص ۲۸۳-۲۹۳.
- ۳- نکیه خانم یا نکیه الگون یکی از برجسته‌ترین کارشناسان آموزش و پرورش در عثمانی بوده است (Fahir, 1990: 933).

۴- برای مطالعه‌ی بیش‌تر در زندگانی ادیب و ناسیونالیست ترک؛ خالده ادیب آدیوار نک.

Fahir, Iz (1990), **Khalide Edib**, the Encyclopaedia of Islam, Vol. IV, Liden: E. J. Brill, PP. 933-936.

هم‌چنین؛ رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۹). **خالده ادیب آدیوار**، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۱۴، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، صص ۷۱۶-۷۱۹.



۵- ضیاء از مهم‌ترین چهره‌های ملی‌گراست که تفکرات او در شکل‌گیری ترکیه نو تأثیر به‌سزایی داشته باشد، برای شرحی کامل و مختصر از زندگانی او نک؛

Berkes, Niyazi, (1983). **Gokalp, Ziya**, the Encyclopaedia of Islam (EI), Vol. I I, Liden: E. J. Brill, Pp. 1117-1118.

هم‌چنین جهت آشنایی با اندیشه و نگرش او در موضوع، غرب‌گرایی، اسلام و ناسیونالیسم نک؛ گوکالپ، ضیاء (۱۳۵۱). ناسیونالیسم ترک و تمدن باختر، ترجمه، فریدون بازرگان، تهران: چاپ رامین.

۶- کاستامونو (قسطیمونه) یا پافلاگونیا، باستانی استانی ساحلی واقع در شمال پایتخت ترکیه؛ آنکارا می‌باشد (اتابکی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

۷- کلاه قرمز منگوله‌دار.

۸- برای توضیحات کامل‌تر در مورد غوغای کشف حجاب نک. صلاح، مهدی و ابوالحسن فیاض‌انوش (پاییز ۱۳۸۵). هفدهم دی‌ماه ۱۳۴۱ امتداد یا انقطاع نهضت بانوان، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۳، صص ۸۰-۹۷. و شهرام‌نیا، امیرمسعود و نجمه‌سادات زمانی (بهار ۱۳۹۲). علل و پیامدهای شکل‌گیری کشف حجاب در دوره پهلوی، فصلنامه علمی-پژوهشی گنجینه اسناد، ش ۸۹، صص ۶۲-۸۵.

۹- رضاشاه پس از سفر خود به ترکیه در خرداد و تیر ۱۳۱۳خ، تحت تأثیر آتاتورک و اصلاحات وی قرار گرفت، او در مسیر نوسازی ایران به اقدامات رئیس‌جمهور ترکیه توجه ویژه‌ای داشت. درباره‌ی این سفر رضاشاه به ترکیه نک. به؛ مرعشی، افشین (۱۳۸۷). تحقق ملت؛ دیدار رسمی شاه از ترکیه آتاتورک، خرداد و تیر ۱۳۱۳، شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه، استقانی کرونی، ترجمه، مرتضی ثابت‌فر، تهران: جامی، چ ۲، صص ۱۵۴-۱۸۱. هم‌چنین لازم به توضیح است نزدیکی، شباهت‌ها و تفاوت‌های نوسازی توسط آتاتورک و رضاشاه نظر بسیاری از مورخان و پژوهشگران را جلب کرده است، به عنوان مثال بنگرید به؛ مقاله: آزاد ارمکی، تقی و بهروز دلگشایی (بهار و تابستان ۱۳۹۰). مسئله مدرنیزاسیون در ایران: مقایسه تطبیقی-تاریخی ایران و ترکیه در دوران حکومت رضاشاه و آتاتورک، فصلنامه علمی-پژوهشی مسائل اجتماعی ایران، ش ۶ و ۵، صص ۱۲۱-۱۴۲. عمویی، حامد (پاییز ۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در ایران و ترکیه: مطالعه تطبیقی دوره رضاشاه و آتاتورک، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، ش ۲۰، صص ۱۹۳-



۲۲۴. - نساج، حمید (۱۳۹۲ تابستان). مقایسه‌ی نوسازی ایران و ترکیه در زمان رضاشاه و آتاتورک، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های راهبردی سیاست، ش ۵، صص ۱۰۱-۱۳۰ و...
 ۱۰- مقصود از فمینیسم (Feminism) یا دفاع از حقوق زنان، نهضتی اجتماعی است که بر اساس آن کوشیده می‌شود، زنان به حقوقی برابر با مردان در ابعاد گونه‌گون جامعه چون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... دست یابند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۶۵).
 ۱۱- درباره‌ی جودت نک. رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۶). جودت، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۱۱، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، صص ۳۳۱-۳۳۴.
 ۱۲- مصطفی‌کمال و همسرش لطیفه خانم (د ۱۹۷۵م) هرگز صاحب فرزندی نشدند. کمال در نخستین سال-های جمهوری در ۱۹۲۵م مطابق شرع اسلام از لطیفه طلاق گرفت و در ۱۱ اوت همان سال، یعنی ۶ روز پس از جدایی، رسماً موضوع را به دولت اعلام کرد. اگر چه لطیفه برای مدتی کوتاه، تنها از ۱۹۲۳م تا ۱۹۲۵م همسر کمال بود اما همواره چه دوران آتاتورک و چه پس از مرگ او نزد ترکان مورد احترام بوده است (مانگو، ۱۳۹۴: ۷۲۳-۷۲۵).

منابع

- آتاترک، مصطفی‌کمال (۱۳۸۳). نطق (۱۹۲۷-۱۹۱۹)، ترجمه محمدرضا هیئت، آنکارا: نهاد عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاترک، مرکز تحقیقاتی آتاترک.
 آزاد ارمکی، تقی و بهروز دلگشایی (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «مسئله مدرنیزاسیون در ایران: مقایسه تطبیقی-تاریخی ایران و ترکیه در دوران حکومت رضاشاه و آتاتورک»، فصلنامه علمی-پژوهشی مسائل اجتماعی ایران، ش ۵ و ۶، صص ۱۲۱-۱۴۲.
 آژند، یعقوب [ترجمه و تدوین] (۱۳۶۴). ادبیات نوین ترکیه، تهران: امیرکبیر.
 آتام، تورگوت و محمدحسن مهدوی (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «تحول دینی-اجتماعی در ترکیه عصر مصطفی‌کمال آتاتورک»، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، ش ۳، ص ۴، صص ۱۲۳-۱۴۵.
 انتخابی، نادر (۱۳۹۲). دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: هرمس.
 _____ (۱۳۹۰). ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه، تهران: نگاره آفتاب.



اتابکی، تورج [گردآوری و تألیف] (۱۳۸۵). *تجدد آمرانه؛ جامعه و دولت در عصر رضاشاه*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

اسپنسر، ویلیام (۱۳۵۴). *سرزمین و مردم ترکیه*، ترجمه علی اصغر بهرام‌بیگی، تهران-نیویورک: بنگاه ترجمه و نشر کتاب با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، چ ۲.

ایگدمیر، اولوغ و دیگران (۱۳۴۸). *آتاتورک*، ترجمه حمید نطقی، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.

اکبرزاده کهریزی، صمد (۱۳۹۰). «مطالعه‌ی تطبیقی تغییرات اجتماعی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

باربر، نوئل (۱۳۶۴). *فرمانروایان شاخ زرین (از سلیمان قانون تا آتاتورک)*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: گفتار.

پروند، شادان و زهرا سبحانی [گردآوری، ترجمه و اقتباس] (۱۳۷۳). *زمینه‌ی شناخت و فرهنگ ترکیه*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.

حسینی، حسن (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای واکنش روحانیت در ایران و ترکیه در برابر اصلاحات ضد‌مذهبی رضاشاه و آتاتورک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

حیدرزاده نایینی، محمدرضا (۱۳۸۰). *تعامل دین و دولت در ترکیه*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

دلیرپور، پرویز (۱۳۹۴). *نظامیان و سیاست (رشته‌ی علوم سیاسی)*، تهران: دانشگاه پیام‌نور، چ ۲.

رابینسون، ریچارد (۲۵۳۶). *جمهوری اول ترکیه*، ترجمه ایرج امینی، تبریز: چاپخانه‌ی حمدی علمیه تبریز با همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین.

رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۳). «تنظیمات»، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ج ۸، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، صص ۲۸۳-۲۹۳.

_____ (۱۳۸۹). «خالده ادیب آدیوار»، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ج ۱۴، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، صص ۷۱۶-۷۱۹.

_____ (۱۳۸۶). «جودت»، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ج ۱۱، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، صص ۳۳۱-۳۳۴.



- رضایی سیاوشانی، صدیقه (۱۳۷۷). **سیمای زن در جهان؛ ترکیه، تهران: برگ زیتون با مشارکت دفتر مطالعات فرهنگی بانوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.**
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.**
- شاو، استفورد جی و ازل کورال شاو (۱۳۷۰). **تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه‌ی جدید، ج ۲، ترجمه، محمود رمضان زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.**
- شهرام‌نیا، امیرمسعود و نجمه‌سادات زمانی (بهار ۱۳۹۲). «علل و پیامدهای شکل‌گیری کشف حجاب در دوره‌ی پهلوی»، **فصلنامه علمی-پژوهشی گنجینه اسناد**، ش ۸۹، صص ۶۲-۸۵.
- صلاح، مهدی و ابوالحسن فیاض‌انوش (پاییز ۱۳۸۵). «هفدهم دی‌ماه ۱۳۴۱ امتداد یا انقطاع نهضت بانوان»، **مطالعات راهبردی زنان**، ش ۳۳، صص ۸۰-۹۷.
- عمویی، حامد (پاییز ۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در ایران و ترکیه: مطالعه‌ی تطبیقی دوره رضاشاه و آتاتورک»، **فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج**، ش ۲۰، صص ۱۹۳-۲۲۴.
- قاسمی، جابر (۱۳۸۳). «بررسی تطبیقی الگوی نوسازی رضاشاه و آتاتورک»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.**
- گوکالپ، ضیاء (۱۳۵۱). **ناسیونالیسم ترک و تمدن باختر**، ترجمه فریدون بازرگان، تهران: چاپ رامین.
- لاپیدوس، ایرا ماروین (۱۳۷۶). **تاریخ جوامع اسلامی؛ قرون نوزدهم و بیستم**، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- لاموش (۱۳۱۶). **تاریخ ترکیه، با مقدمه، رنه پینون**، ترجمه سعید نفیسی، تهران: کمیسیون معارف.
- لوئیس، برنارد (۱۳۷۲). **ظهور ترکیه نوین**، ترجمه محسن علی سبحانی، بی‌جا: مترجم.
- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۳۷). **تاریخ خاورمیانه**، ترجمه هادی جزایری، تهران-نیویورک: اقبال با همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین.
- مانگو، آندرو (۱۳۹۴). **آتاتورک**، ترجمه هوشمند دهقان، تهران: پیام امروز.
- مکی، حسین (۱۳۶۲). **تاریخ بیست ساله‌ی ایران (استمرار دیکتاتوری رضاشاه پهلوی)**، ج ۶، تهران: نشر ناشر.



مرعشی، افشین (۱۳۸۷). «تحقق ملت؛ دیدار رسمی شاه از ترکیه آتاتورک، خرداد و تیر ۱۳۱۳»، شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه، استفانی کرونی، ترجمه مرتضی ثابت‌فر، تهران: جامی، چ ۲، صص ۱۵۴-۱۸۱.

موتقی، سید احمد (تابستان ۱۳۸۰). بررسی تجربه‌ی نوسازی فرهنگی و سیاسی در ترکیه در فاصله سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۵۰، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۵۲، صص ۱۵۱-۱۸۴.

نورائی، مرتضی و زینب احمدوند (۱۳۸۹). روابط ایران و ترکیه در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش/۱۹۴۱-۱۹۲۵)، اصفهان: کنکاش.

نشاشیبی، ناصرالدین (۲۵۳۷). در خاورمیانه چه گذشت؟، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: توس.

نساج، حمید (تابستان ۱۳۹۲). «مقایسه‌ی نوسازی ایران و ترکیه در زمان رضاشاه و آتاتورک»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های راهبردی سیاست، ش ۵، صص ۱۰۱-۱۳۰.

نهری، جواهر (۱۳۶۱). نگاهی به تاریخ جهان، ج ۳، ترجمه، محمود تفضلی، چ ۷، تهران: امیرکبیر.

هانی‌اوغلو، شکرو (۱۳۹۵). سقوط امپراتوری و تولد جمهوری؛ نگاهی به نقش آتاتورک در پیدایش ترکیه، ترجمه رضا جوادی، تهران: لوح‌فکر.

هدایت، مهدی قلی مخبرالسلطنه (۱۳۴۳). خاطرات و خطرات؛ توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: زوار.

Berkes, Niyazi, (1983). **Gokalp, Ziya**, the Encyclopaedia of Islam (EI), Vol. II, Liden: E. J. Brill, Pp. 1117-1118.

Fahir,Iz (1990). **Khalide Edib**,the Encyclopaedia of Islam, Vol. IV, Liden: E. J. Brill, PP. 933-936.

Mantran, R. (1960). **Atatürk**, Encyclopédie de L'Islam, T. 1,Paris: E. J. Brill, Pp. 756-757.

Mantran, R. (1986). **Atatürk**, the Encyclopaedia of Islam (EI),Vol. I, Liden: E. J. Brill, PP. 734-735.

Omurtak, Salih ve diğerleri (1965). **Atatürk**, İslam Ansiklopedisi, 1. C., İstanbul: Milli Eğitim Basımevi, S. 719-804.

Sperco, Willy (1958). **Mustapha Kemal Ataturk Créateur de la Turquie Modern 1881-1931**, Paris: Nouvelles Éditions Latines.